

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۵ اپریل ۲۰۲۲

بازی رسانه‌ئی طالب با مخالفان و مردم!

پنجشنبه- ۲۵ حمل ۱۴۰۱ - کابل: سالها قبل از امروز در محفلی شرکت داشتم که تعدادی از به اصطلاح "بزرگان جنبش چپ" افغانستان نیز در آن اشتراک داشتند، برای من حضور در همچو مجالسی اگر سابقه خانوادگی ما را با جنبش چپ و انقلابی افغانستان به شمار نیاوریم، قسماً تازگی داشت از بسا جهات می توانست آموزنده باشد. در آن محفل به دنبال آن که مراسم اصلی خاتمه یافت و محفل به اصطلاح "خودمانی" شد، بین آنهمه رهبر خرد و بزرگ خود ساخته، صحبت در مورد ایران و انقلاب ایران صورت گرفت.

یکی از جمع "بزرگان" در کنار ده ها تحلیل سالم و نا سالم از شکست انقلاب ایران، شناخت ناقص چپ ایران از ظرفیت دروغ، مگر و فریب قشر آخند را تذکر داد. او با بسیار صراحت گفت: با تأسف چپ ایران با چند کتابی که خوانده بود فکر می کرد علم عالم را در مغزش دارد- بخوانید دومین متفکر جهان- و طرف مقابلش قشر ملا و آخند را چیزی در حدود یک خر تربیت شده دانسته، فکر می نمودند و حتا گاهی فکرشان را بلند نیز اظهار می کردند، که ملای نادان را بعد از مدتی به مسجد و مدرسه خواهند فرستاد و خود اداره کشور را به دست خواهند گرفت.

من که آن زمان نظر به سن و سالم و این که یکی دو تن از بزرگان فامیل ما نیز در آن محفل شرکت نموده بودند، یکی از خاموشترین افراد محفل بودم، طاقت نیاورده، بدون رعایت اداب شرکت در چنان مباحثی، ضمن زمزمه باخودم که دیگران هم بشنوند گفتم: "امیدوارم ما از حماقت چپ ایران درس لازم گرفته، اخند و ملای وطن خود ما به خصوص طالب را احق فکر نکنیم."

جنابی که رشته سخن را به دست داشت با یک "نگاه عاقل اندرسفیه" و نسبتاً شماتت بار از اذان بی موقع من، با نوعی تکبر و غرور گفت: "می توانید خاطر جمع باشید که ما پوست آنها را در چرمگری می شناسیم و هرگز فریب نخواهیم خورد"

وقتی امروز بعد از تقریباً بیست سال، آن مجلس را به خاطر می آورم و غرور و تبختر آن ریاکار فراری را از نظر می گذرانم، می بینم که اگر دید نادرست چپ ایران در قسمت شناخت قشر آخند و ملا برخاسته از فقدان تجربه و عدم آگاهی آنها بود، تا جایی که به ما بر می گردد، مال ما تنها به عدم آگاهی خلاصه و محدود نمی گردد، حماقت، بلاهت، سود جوئی و فساد شخصیتی ما نیز در آن نقش داشته است، اگر فکر می کنید اینطور نیست پس بگوئید:

از هشت ماه بدین سو که امپریالیسم امریکا و شرکاء با برنامه بسیار دقیق قدرت و حاکمیت سراسر افغانستان من جمله شهر کابل را به طالب سپرده اند، وضع در تمام افغانستان چنین است:

* عدم امنیت بیداد می کند، یعنی تا دیروز اگر خطر این که یک خس دزد، موبایلیم را دزدی کند مرا تهدید می نمود اینک با تحکیم سلطه طالب، نه تنها وقتی از خانه بیرون می شوم امید بازگشت را ندارم بلکه وقتی در خانه هم هستم، خطر این که درب منزل با لگد و قنناق تفنگ چند طالب شکسته، ضمن بردن و به بند افکندن من، داروندار زندگی ما را به هم ریخته، مادر، همسر، پدر و برادران و فرزندان را نیز قنناق کاری کنند، لحظه ای از ذهنم بیرون نمی شود؛

* - فقر، ناداری و گرسنگی حتا در فامیل های سطح متوسطی چون ما که به علاوه ۶ تن نان آور آنهم برای ۱۰ سرخانواده از امکانات زمین در روستا نیز برخورداریم، چنان بیداد می کند که روز ها جرأت گذشتن از مقابل دکان قصابی را نداریم، در شهر و روستا روزگاری را آورده است که قحط سالی دمشق به گردش نمی رسد.

* - بلافاصله باید گفت که خلاف دمشق که در آن قحط سالی آمده بود و چیزی برای خوردن پیدا نمی شد، در اینجا توانائی خرید مردم چنان به صفر ضرب خورده که دکانداران از صبح تا شام نمی توانند همانقدر عرضه نمایند که کرایه دکان شان را برابر نماید؛

* - به دوا و داکتر که خدا کسی را محتاج نسازد، چه گذشته از این که از داکتر حاذق دیگر خبری نیست داروی داروخانه ها، اگر مریض را نکشد، باید به شکرانه زنده ماندنش نذر هم بدهد؛
هموطنان گرامی!

در عین حالی که تمام این مشکلات و ده ها و صد ها مشکل دیگر تا مغز استخوان هر شهروند کشور را می آزارد و اگر فضاء به همین سان ادامه یابد؛ عنقریب بخش اعظم از نفوس آگاه کشور به دیوانه های زنجیری مبدل می شوند، طالب بسیار زیرکانه به منظور فریب اذهان عامه در کنار آن که تمام هم غم مردم جهان را به مسدود ماندن مکاتب دختران جلب نموده، عندالموقع فرامینی هم راجع به طرز لباس پوشیدن خانمها و آقایان و یا طول و عرض ریش و یا هم نمایش سریالهای مبتذل ترکی، ایرانی و پاکستانی از زندگی پیامبران بی اسرائیل و ... صادر می نمایند تا به اصطلاح جامعه روشنفکری افغانستان به دور همین آبشخورها بچرد و عطش مبارزاتی خود را فرونشاند.

طالب می داند که چه مکاتب دخترانه باز باشد چه بسته، چه چند فلم مزخرف نشان داده شود و یا نه و چه یک معلم نکتائی ببندد و یا، نه آسمان قدرت آنها به زمین می خورد و نه هم کدام تغییری در جامعه به وجود می آید. آنها آگاهانه با انداختن چنین مسایلی، ذهن من و توی قهرمان و "نابغه بلاهت" را به چنین موارد مصروف می سازد تا به واقعیت زندگی خود و خانواده و جامعه ما نیندیشیم.

گیریم که فردا مکاتب دخترانه باز شدند و فلم های مبتذل نیز نمایش داده شدند، آیا با این عقب گردها، مشکلات جامعه از بین می روند؟ آیا فقر، گرسنگی و بیکاری از بین می رود؟ آیا بی حقوقی و عدم امنیت از بین می روند؟ و ...
هموطنان گرامی!

بیانید بعد از اینهمه سال دربه دری و آوارگی و تحمل بدبختی اندکی هوشیار شویم و به جای این که در دام تبلیغات طالب و خط تبلیغی آن بیفتیم، آگاهانه مشکلات خویش را درک و مطرح نموده، بر بستر آن طالب را به مبارزه مرگ و زندگی بکشانیم و بیش از این به دنبال نخود سیاه طالب، سرگردان نگردیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!